



بسمه تعالی



جمهوری اسلامی ایران

بزرگ باوجودی و صورت مجلس

صفحه

جلسه

کلاس پرونده

تاریخ

شعبه

نام خانوادگی

نام

روز / / ۱۳۶۰

۱- در باره عبدالرضا بزرگوار محمد رضا آنچه میداند بنویسد ؟
 ج- تاریخ تولد او را نمیدانم و کار در حساب است که تخم باری مولدش ۱۳۰۶ یا ۱۳۰۷ باشد
 بزرگوار من فرزند از عصمت بعل است عصمت بعل از خانواده بنام و مادرش
 حضرت عیسی عبدالرضا : ۱- قیام الله است و مادرش را نمیدانم این شخصیت را اینها
 نگه دارد و شکار را جانشین آن را نمیدانم و نیز از وقت دعوتش را به شکار در
 ایران و کشور افریقا میبرد و رفت و آمد به هر دو کشورش میبرد و کامل
 شمعون شده بود چون آن دو زن عیسی شکار در کشور افریقا میبرد و در آنجا
 هم به شکار با آن دو در افریقا میبرد ۲- نظافت کامل و به نظر از حضرت عیسی بزرگوار او را
 و مادرش زن و پدرش نیز مانند او باشند که شده بود ۳- لیل ادب است
 بهر منتهی و رفت و آمد به هر دو کشورش و در روز و شب به هر دو کشورش میبرد
 ۴- در امور محوله و امور شخصی نظیر کم نظیر داشت و مکتب محله را شصت و دو داشت و مکتب
 و دنبال بهر شصت و دو تا به نیت قطع بود ۵- زن و بزرگوار را هم در شصت و دو داشت
 و بهر کمترین آن بهر چه را فرستاد و در دو ساله بهر زن و بزرگوار را هم در شصت و دو داشت و اینها
 باری که در شصت و دو تا به نیت قطع بود ۶- همان میزان که بزرگوار را در شصت و دو تا به نیت قطع بود
 و بزرگوار را هم در شصت و دو تا به نیت قطع بود ۷- همان میزان که بزرگوار را در شصت و دو تا به نیت قطع بود
 از آن و ضعیف بزرگوار است که هرگاه بخوبی اجازه فکرت دهد و بزرگوار را هم در شصت و دو تا به نیت قطع بود
 به فکرت بر او و در افریقا بهر چه را فرستاد و در دو ساله بهر زن و بزرگوار را هم در شصت و دو تا به نیت قطع بود
 به فکرت بزرگوار را هم در شصت و دو تا به نیت قطع بود

[illegible]



نام خانوادگی	شعبه	تاریخ	کلاس پرونده
		روز / / ۱۳۶۶	
بهمین علت افراد اواف اولاد تغییر نماند و بدین ترتیب هم بهانه در اواف ادیتند و تا آنجا که میر جمیع دست اکثر آنها حتی سایر آنها به راز خانوالم کاجار باشند، این شخصیت موجب می شود که بین اوافان ادیتیت و اعتقاد بر قرار باشد، ۱۱ - ملاقات بهر ده نرسایم، به ملاقاته بهر برار او در راه رسیدن به دفتر خایره در اشته باشد و الله جمیع مسیر که وقت فراغت خود را با بیان هر یک از خود گذرانند ۱۲ - فرق العالم بهر اکت در مطالب مورد عدله را با وقت گذر می کنند ۱۳ - تأثیر پذیر و تقصیر پذیر اکت افراط در تعجب افرادی که به آنها اطمینان کامل دارد و دلغری ۱۴ - فرق العالم مقام برکت اکت افراط نشین، دیب شخ چون بهر حصول به مقام آلم رسیدنیت خن بر جان خود و حتی سلامت عفو استی بنر از محمول قاتر اکت ۱۵ - با این خصوصیات در بین فرزندان ذکر رضا خان دروازه ادیل قرار داشت و محمود رضا از نظر خصوصیات بعد از او قرار میگرفت، تصدیق عبدالرضا؛ حمزه دانشگاه که در وارد (اریف) را با موفقیت گذرانند دانشنامه رشته اقتصاد را در آن دانشگاه (دبیل ملکیه) تسلط کامل به زبان فرانسه داشتند و دارد، نتیجه طبعی خصوصیات و تصدیق او؛ ۱ - ادعای داراثر الطی شری از رضا میداند که بهر چنین باشد (در باره رضا قبل از پرونده انقلاب خوانند که کن بودی میگفتند در جمع فرد متوسطی اکت) ۲ - از نظر تجربیات عبدالرضا تا به حال بهر رضایت و طبعی اکت که داراثر تجربیات طبعی بنر باشد			



بسمه تعالی



جمهوری اسلامی ایران

بوک بازجویی و صورت مجلس

صفحه

۳

جلسه

نام خانوادگی	شعبه	تاریخ	کلاس پرونده
		روز / / ۱۳۶	
۴- قبح که از نظر تعدل و از آنکه دیگر غریب زده می‌سند و تعدل و دیگر از آنان در غرب تحصیل عالی را طی نموده اند، ادرارش غنی می‌باشد و می‌دانند و چون قبح که بدین است، و از نظر اقلیت و جمع و مانده اند لذا اقلیت را که بعد از رضا را نیز از نظر اقلیت و اکثریت و جمع و مانده اند و تا ششم در مقام بود و از هر گونه و از نظر سیاسی خاص شد و از آنکه در این مورد که از نظر اقلیت و اکثریت و در حقیقت، اعتقاد در وضع موجود و از نظر اقلیت و اکثریت و در وضع بیشتر بیان می‌شود. ۵- اطراف و اوساط که نتوانند با شش زده می‌شود و نتوانند فعالیت را در این خصوص قبح و نتوانند و نتوانند و فعالیت را در این خصوص ۸- با وجود اینکه اخته ناز بهین خانم در هر چند مختلف و با وجودی داشته و دارد لکن در اصل و دین زده اند و در بعد از رضا اتفاق نظر کامل و وجود دارد که موضوع می‌شود اگر اکتفا به شش به نحوی، و غیر از قبح و افراد دیگر از ششم منقطع و وجود دارد که بعد از رضا را بر رضا ترجیح می‌دهند و از آنکه در اقلیت و اکثریت و در این خصوص و نتوانند کشف و شش به کند، ۶- در حقیقت و شش و از نظر اقلیت و اکثریت و به احتیاط و در اقلیت و اکثریت و در اقلیت و اکثریت و در اقلیت و اکثریت و ظاهر زده اند، ۸- به احتیاط و در اقلیت و اکثریت و در اقلیت و اکثریت و در اقلیت و اکثریت و خواهد بود، ۹- بعضی اقلیت و اکثریت و در اقلیت و اکثریت و در اقلیت و اکثریت و ۱۰- غرب اندک، ظاهر به آراسته دارد و در این اقلیت و اکثریت و در اقلیت و اکثریت و ایجاب می‌نماید و دیگر را که می‌فهمند و می‌پسندند			



نام	نام خانوادگی	شعبه	تاریخ	کلاس پرونده
			روز / / ۱۳۶	
پیشود: به مراقب رفت دآمد و مددکار ادبای ایشان در کفیل فارسی بهی، بدون شک اصداعات مفید کب مفاد است چون نمیتواند است بنشیند و آرام کاری کند درسی عام زبان عرب سکند (از خصوصیات ادب) انشاالله در فرج نیست که بهر ده انظرف و انظرف میروند و با معاف به کار و مددات میکنند و عین بر رضا فاعلیت میکنند، برابر الشرف فاعلی نازد که رضا به مقام کس با عبد الرضا بنده است به کوشش عبد الرضا بنده است، و با معاف کار برای عبد الرضا فاعلیت مفاد که بر خیر میزدی در رابطه با عبد الرضا ۱- عبد الرضا با دختر ناز از دواج گو، ناز با دهم انچه غریبانی بود، در زینت بود دختر ناز با پدر بنام اف رقبه از دواج گو بود و چند بچه از اف داشت، از اف رقبه از قبه بود که شش او را به عبد الرضا معرفی گو، با دهم انچه شش که از عبد الرضا بنده بود با این و دهم از اف عبد الرضا ادراک نال نموده بود پس از این که ماه با او از دواج گو، در صدر که بخاطر دارم عبد الرضا صاحب که پس از این نال بود، دامن تنه نال تمام ناز عبد الرضا بود و خواهر بود ۲- در برادری با دهم خیم نال می شنیدیم که رضا خان سیف عبد الرضا بود و دهمی صاحب که از محمد رضا بود، است البته این تغییر را غیر علمید الله، حسن و حسن رضا خان در کفالت کفیل در میزان تبیین چند بهر ده را نموده که علم نموده را اصداع نالیم که آ محمد رضا بنده طلب استنیده بود، با رفعت حسن را میگفت (می) علم نموده مطرح شلیم و آزر دلی ناز عبد الرضا بخود راه نمید که				



نام	نام خانوادگی	شعبه	تاریخ	کلاس پرونده
			روز / / ۱۳۶۰	
۳۱ - پس از رایج ۲۸ مرداد ۱۳۶۰ که از پارس به تهران مراجعت نمود، عبدالرضا که میگفت این پس در روز پنجشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۰ به پارس بازگشت و بمن گفت که محمد رضا در دوران مصدق بمحمد دفتر خود در خواجه نصیر خیابان از ایران به پارس فرستادی و پس خود و زنش (زنا) در ۲۵ مرداد ایران را ترک کردند و بدون اطلاع ما به قم رسیدند و در دوران دخترازان ناسته را در ایران در اختیار مصدق باقی گذاشتند و مصدق در همان روز به تهران آمد و برای ما که در ایران باقی ماندیم اعلام کرد که در آنجا در انتظار بمانیم و هیچ کس در این چند روز عیفت احکامی که محمد رضا دشمنان است و پنهان داشت بجهت محمد مصدق دلجمی بود، و برای ما که در تهران بودیم چون در عمر عرف عبدالرضا هیچ نظر نداشتیم ۳۰ - احضار دیگر ۱۳۶۰ بی که محمد رضا از دریا قبل تقسیم رفته بود که با دفتر پادشاه سابق ایتال از دواج غریبه، در این سفر دفتر دوازدهم را به ایران دعوت نمود و آنچه که بپای افزودن است دفتر بزرگ از دواج برایش مکن بی انجام میداد و با محمد رضا با این از مخالفت بود و مخالفت او با اثر بود و مخالفت با این است که بی که دفتر مسیح است و فرزند از احوال و بعد مورد قبول است ایران رافع نخواهد شد، با این وجهی که در آن ضابطه در خارج فواید افتخار دفتر بود، زن عبدالرضا کاملاً احوال بدیده او انتخاب شد در یک از صفت زن عبدالرضا دفتر تقسیم بود و بخیر و وقت خود را اینجا بگذرانند و از ایران بمردم زیر این که از دواج عمل شده با محمد رضا و اشرف شد و در آن دفتر نشسته و بعد و بعد ریح سید لو دشمنان افزوده خواهد شد چون برادر دفتر هم در این است حضور داشته بر هر تقسیم میگردد که زودتر از ایران بودند				



نام	نام خانوادگی	شعبه	تاریخ	کلاس پرونده
		روز	۱۳۶ / /	
دو موضوع را از روز سه شنبه به محمد رضا سگوند و غنی سگوند از انجمن اربابان عبدالرضا گفته و بعد از این از هر روز در این هیئت ایران را ترک می کنند، محمد رضا هم در کورس می باشد که زن عبدالرضا شصت و هفت هزار در مجلس که او هست، به این دو نام او از تمام میانه ها برسد و حضور در بار خدوفا می شود و این وضع حدود بیست سال ادامه داشت و خان عبدالرضا حد اکثر هفتاد یک برابر کارش کار داشت و آنهم روزی جمعه در حضور جمع با محمد رضا ملاقات سکیم و پس از ختم کارش کاج را ترک سکیم و بخانه دختر زنش می رفت و آنهم وضع عبدالرضا طی این مدت کلی بود، علت این هم زدن از دواج از طرف زن عبدالرضا در آن زمان بود که تمام شکر بود و آنرا چون بدون هم باشد و نه گفت سکیم و در نزد عبدالرضا از طرف انجمن و جمع شده بود و در هر حال تحت مدیریت قوام السلطنه که حدوداً هجرت و بعد از آن ۱۳۲۸ ادامه یافت چون هم از او مصروف به عدم تحفه آذربایجان از طرف شوروی بود و بعد از تحفه هم که حکومت پیشه درسی (دکتران نه شوروی) مستر گوهر در خدمت خان آذربایجان را اعلام نمود، با توجه اینکه قوام السلطنه بخدوفا مصدق حد اکثر هفتاد یک برابر با محمد رضا ملاقات سکیم و وزارت کار می شود و به واسطه او، محمد رضا در هر روز از تحت و در کجای است و این بهی و دکتر آشتی بعد از شام در کجای می نشست و بعد از آن خود می نشست، تا آنکه در شب در حضور من، اشراف و عبدالرضا گفت تصمیم به خروج از ایران و سپس استعفا از مقام را دارد، و گفت رشیدی بنظر می رسد، سگوند او را دلار می دهم و صبر و حوصله را به پیشش دهم و گفت یکدفعه صبر و حوصله به خرج دهم و یک دو به نصیر را بخرم و یک دو به دوقه بخرم (سه نفر) اجازه رخصتی خواستم از کافه سفید بعد از یکبار خارج شدم.				



نام	نام خانوادگی	شعبه	تاریخ	کلاس پرونده
			روز / / ۱۳۶۱	
الشرف که در آن زمان (۱۳۲۸) حدود ۲۷ سالگی داشت به شریعتی به نظر به عبدالرضا دست گفت، لازم است که صحبت کنیم، سیر گفت سلطان را که پدرم باشد زحمت میرسد آورده حل برادریم (محمد رضا) اگر شب میخواهد آنرا از دست برد لذا من به اجازت نمیدم که سلطنت از این خانه خارج شود سیر بود که به عبدالرضا گفت اگر او (محمد رضا) در تعیین با حق باز آید از اعیان منت تو به دست پشور (یعنی عبدالرضا) شاه شدن بخوف و اجبار (الشرف) و الذاکر کن و کار نداشت بهش، بطرح من عمل نخواهد شد، عبدالرضا که شدیدا از این حرف ها نفورده به سیر نگاه کرد و گفت که جریال را به محمد رضا بخوام گفت و کار بر سر خواهد از من بگذشت که نظرت چیست گفت الشرف بطرح صحبت میکند که به منضیع احمد و الذاکر قدرت در سراسر است و در صدر که از قیام نهایی نیست آنهم انقیاد آن دارد و به اجتناب اگر شود قبول نمیدانم باید جبر و باج رفتی به عبدالرضا بهین پیشه و در آن خواهد دلو، عبدالرضا گفت که محمد او بر اسم غیر کنی است و در این احوال را تا نگ نخواهم که سیر الشرف به عبدالرضا گفت حاکم جواب حکم و صریح برده او هم جواب دلو دستور شارا (الشرف) اطاعت میکنم و پیشه و دلا را میدهم سیر الشرف بلافاصله از آنجا جدا شد و به سرعت به الرطیر از محمد شریعتی و معلوم نبود مقصدش کجاست (لایه سفارش الطین) این موضوع به عبدالرضا فاش شد و معلوم نیست که بعد از آن الشرف به او طعنه داشت هرگز محمد رضا این مطلب را هیچ که مطرح نموده و شعبه آن بهی که نمیدانم				

[illegible]